

فرهنگ واژه‌های دخیل آسیایی (به جز عربی)

و اروپایی در زبان فارسی

دکتر حیدر حسن‌لو

کتاب حاضر حاصل طرح پژوهشی با عنوان «واژه‌های اروپایی و آسیایی (به جز عربی) در زبان فارسی» است و کلیه حقوق مادی و معنوی آن متعلق به دانشگاه آزاد اسلامی واحد زنجان است.

فهرست مطالب

عنوان	صفحه	عنوان	صفحه
مقدمه	ت	ش	۲۴۹
آ	۷	ص	۲۵۶
ا	۳۸	ط	۲۵۷
ب	۱۰۱	غ	۲۶۰
پ	۱۲۹	ف	۲۶۱
ت	۱۵۴	ق	۲۷۴
ج	۱۸	ک	۲۹۳
چ	۱۴	گ	۳۲۰
ح	۱۹۴	ل	۳۳۰
خ	۱۹۵	و	۳۳۷
د	۱۹۷	ن	۳۵۸
ر	۲۱۲	و	۳۶۵
ز	۲۲۲	ه	۳۷۳
ژ	۲۲۴	ی	۳۸۰
س	۲۲۸	فهرست منابع	۳۹۳

مقدمه

قرض‌گیری زبانی فرآیندی است که عمدتاً در نتیجه برخورد‌های زبانی و از طریق افراد دوزبانه آغاز می‌شود و طی آن، عناصر آوایی، واژگانی و حتی نحوی از یک زبان به زبان دیگر وارد می‌گردد و به دلیل عوامل مختلف از سوی اکثریت افراد یک جامعه زبانی پذیرفته می‌شود و کاربرد عام می‌یابد.

در اکثر موارد تجربه نشان داده است که جوامع زبانی به هنگام برخورد با یکدیگر از شرایط مادی و معنوی یکسانی برخوردار نیستند. به عبارت ساده‌تر، در هر جامعه‌ای، عناصر فرهنگی و مادی خاصی وجود دارد که در جامعه زبانی دیگر شناخته شده نیست یا اصلاً وجود ندارد. حال چنان‌چه آن پدیده فرهنگی یا مادی از سوی افراد یک جامعه زبانی پذیرفته شود، برای رسیدن آن پدیده خاص واژه‌ای مورد نیاز است. در اغلب موارد، پذیرش یک پدیده قرضی به قرض‌گسی واژه دال بر آن پدیده منجر می‌شود، زیرا یکی از مقرون به صرفه‌ترین راه‌هاست. به اعتقاد «این رایش»، استفاده از واژه‌های قرضی در تمامی زبان‌ها حاکی از این حقیقت است که استفاده از واژه‌های حاضر و آماده، اقتصادی‌تر از نسام‌گذاری مجتهد است (واین رایش، ۱۹۶۳: ۵۷). بلومفیلد به هنگام بحث درباره قرض‌گیری زبانی به این نکته اشاره دارد که زبان‌شناس با مطالعه واژه‌های قرضی می‌تواند نشان دهد که یک جامعه زبانی چه چیزهایی را از جوامع زبانی دیگر قرض گرفته است. او ضمن بررسی واژه‌های قرضی موجود در زبان انگلیسی نشان می‌دهد که در اوایل قرن حاضر میلادی قرض‌گیری‌های زبانی انگلیسی از زبان فرانسه عمدتاً به لوازم آرایش، لباس زنانه و کالاهای تجملی مربوط بوده است و بیشترین تعداد واژه‌های قرضی از زبان آلمانی نیز به نوع غذا و مواد خوراکی ارتباط داشته است (بلومفیلد، ۱۹۳۳: ۴۴۸-۴۵۵).

این امکان را همواره باید مد نظر داشت که شاید معادل مناسبی برای یک واژه قرضی در زبان قرض‌گیرنده وجود داشته باشد، ولی به دلیل پایین‌بودن بسامد وقوع در معرض فراموشی قرار گرفته باشد. کشف مجدد چنین واژه‌هایی از سوی متخصصان، پس از ورود

واژه قرضی، دیگر چاره‌ساز نیست، زیرا واژه قرضی پس از ورود به زبان قرض‌گیرنده، به عنوان بخشی از آن زبان پذیرفته می‌شود و به سرعت جایگزین واژه بومی می‌گردد که به دلیل عدم استفاده، به دست فراموشی سپرده شده است.

قرض‌گیری واژه‌های مجهول‌الهویه مانند «آکبند» و جایگزینی آن برای واژه کم‌بسامد «ناسوده» در زبان فارسی نمونه‌ای از این نوع است.

ورود واژه‌های قرضی مانند «معاد»، «توحید»، «امام»، «خمس»، «زکات» و غیره از زبان عربی، «رستوران»، «فیزیک»، «رادیو»، «موتور»، «فیلم»، «اتوبوس» و غیره از انگلیسی و «پیانو»، «کازینو» و غیره از ایتالیایی نمونه‌هایی از این نوع به شمار می‌روند. در این میان واژه‌های قرضی دیگری نیز وجود دارند که به دلیل ورود پدیده‌ای جدید به جامعه‌ی ربانی قرض گرفته نشده‌اند، ولی به دلیل کثرت استعمال متداول گردیده‌اند. نمونه‌هایی از این نوع واژه‌های قرضی را در زبان فارسی می‌توان واژه‌های مغولی «آقا»، «خانم»، «تول»، «لاغ»؛ واژه‌های ترکی «بشقاب»، «چاقو»، «قیچی»، «اردک»، «قالی»؛ واژه‌های یونانی «کودک»، «لگن» و غیره دانست، زیرا دست‌کم به اعتقاد نگارنده این سطور بعید می‌نماید که این واژه‌ها «قالی» را از ترکی و «فرش» را از عربی قرض گرفته باشند، آن هم به این دلیل که مدلول آن را نمی‌شناخته‌اند.

قرض‌گیری مستقیم

هنگامی که زبانی به شکل مستقیم و تحت برخورد دو جامعه زبانی، عناصری را به زبانی دیگر قرض دهد، قرض‌گیری را مستقیم می‌نامند (مدرسی، ۱۳۶۸: ۶۳).

نمونه‌هایی از قرض‌گیری مستقیم را می‌توان در ورود واژه‌هایی چون «عمل» یا «جراحی» عربی، «داشبورد» یا «کلاج» انگلیسی، «کودتا» یا «کنکور» فرانسه، «بلیط» یا «کیوسک» روسی، «اتوبان» یا «زیگزاگ» آلمانی، «یلدا» یا «شنبه» سریانی و «قوطی» یا «گمرک» ترکی به زبان فارسی مطرح ساخت.